

National legal challenges in protecting children in cyberspace

Kamran Dehghan¹, Leila Saadati ^{*2}, Danial Setoudeh³

1- Ph.D. Candidate in Law and Department of Law, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

2*- Ph.D. Candidate in Law and Department of Law, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

3- Ph.D. Candidate in Law and Department of Law, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

ABSTRACT

The protection of children's rights in cyberspace is one of the critical and complex legal and social issues in the digital era, which has increasingly attracted attention. The main research question of this study is: what are the existing legal challenges in the country's laws regarding the protection of children in cyberspace, and how can these gaps be addressed? The importance of this issue stems from the fact that children, due to their high vulnerability and insufficient awareness of digital threats, are exposed to serious risks, and legal gaps and deficiencies can lead to violations of their rights and increase psychological, social, and ethical harms. The primary aim of this article is to examine the current laws and regulations in Iran regarding the protection of children in cyberspace, analyze legal gaps and challenges, and provide solutions to improve the situation. The research method is descriptive-analytical, based on documentary and comparative study, examining domestic laws, judicial precedents, legal doctrine, and international documents to provide a comprehensive analysis of the current situation. The findings indicate that existing laws in Iran are fragmented and incomplete, lacking precise definitions for emerging cybercrimes and adequate enforcement mechanisms to safeguard children's rights. Moreover, the absence of consistent judicial practice and insufficient alignment with international standards has prevented effective protection of children. The results suggest that enacting comprehensive legislation, establishing specialized judicial branches, training judges and parents, obligating digital platforms to monitor and remove harmful content, and harmonizing domestic laws with international instruments can fill these gaps and enhance children's safety in the digital environment. The innovation of this study lies in providing a comprehensive and comparative analysis of domestic laws, judicial practices, and international experiences, alongside practical and applicable recommendations to improve the protection of children in cyberspace.

Keywords:

Children's rights, Cyberspace, Child protection, Legal challenges, Digital legislation

How to Cite: Dehghan, K. , Saadati, L. and Setoudeh, D. (2024). National legal challenges in protecting children in cyberspace. *Cyber Law*, 1(1), 27-44

DOI: 10.22054/jocl.2025.85378.2913

Journal of Cyber Law in Development and Evolution is licensed under a Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License.

© Authors



* Corresponding Author: leila.saadati@iasari.ac.ir

چالش حقوق ملی در حفاظت از کودکان در فضای مجازی

کامران دهقان^۱، لیلا سعادت^۲، دانیال ستوده^۳

- ۱- دانشجوی دکتری حقوق، دانشگاه آزاد ساری، ایران.
- ۲- دانشجوی دکتری حقوق، دانشگاه آزاد ساری، ایران.
- ۳- دانشجوی دکتری حقوق، دانشگاه آزاد ساری، ایران.

چکیده

حفاظت از حقوق کودکان در فضای مجازی یکی از مسائل مهم و پیچیده حقوقی و اجتماعی در عصر دیجیتال است که توجه به آن ضرورت فزاینده‌ای یافته است. پرسش اصلی این تحقیق این است که چالش‌های حقوقی موجود در قوانین کشور در زمینه حمایت از کودکان در فضای مجازی چیست و چگونه می‌توان این خلأها را پر کرد. اهمیت این موضوع از آنجا ناشی می‌شود که کودکان به دلیل آسیب‌پذیری بالا و عدم آگاهی کافی از تهدیدات دیجیتال، در معرض خطرات جدی قرار دارند و خلأها و نواقص قانونی می‌تواند زمینه‌ساز نقض حقوق آنان و افزایش آسیب‌های روانی، اجتماعی و اخلاقی شود. هدف اصلی مقاله بررسی وضعیت قوانین و مقررات داخلی ایران در حوزه حمایت از کودکان در فضای مجازی، تحلیل خلأها و چالش‌های حقوقی و ارائه راهکارهای بهبود آن‌ها است. روش پژوهش در این مقاله توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مطالعه اسنادی و تطبیقی است و با بررسی قوانین داخلی، رویه قضایی، دکترین حقوقی و اسناد بین‌المللی، به تحلیل جامع وضعیت موجود پرداخته می‌شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که قوانین موجود در ایران پراکنده و ناقص هستند، تعریف مشخصی از جرائم نوظهور در فضای مجازی ارائه نشده و ضمانت‌های اجرایی کافی برای حمایت از حقوق کودکان در این فضا وجود ندارد. همچنین فقدان رویه قضایی منسجم و هماهنگی ناکافی با استانداردهای بین‌المللی موجب شده که حمایت مؤثر از کودکان تحقق نیابد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تدوین قانون جامع، ایجاد شعب قضایی تخصصی، آموزش قضات و والدین، الزام پلتفرم‌ها به نظارت و حذف محتوای مضر و هماهنگی با اسناد بین‌المللی می‌تواند خلأهای موجود را پر کرده و امنیت حقوق کودکان در فضای دیجیتال را بهبود بخشد. نوآوری این مقاله در ارائه تحلیل جامع و تطبیقی هم‌زمان از قوانین داخلی، رویه قضایی و تجارب بین‌المللی و ارائه راهکارهای عملی و کاربردی برای بهبود وضعیت حقوق کودکان در فضای مجازی است.

کلیدواژه‌ها:

حقوق کودک، فضای مجازی، حفاظت از کودکان، چالش‌های حقوقی، قانون‌گذاری دیجیتال

نحوه استناد:

دهقان، کامران، سعادت، لیلا و ستوده، دانیال. (۱۴۰۳). چالش‌های حقوقی ملی در حفاظت از کودکان در فضای مجازی. حقوق سایبری، (۱)، ۲۷-۴۴.

نشریه حقوق سایبری در توسعه و تکامل تحت مجوز کپی‌رایت کامنز انتساب - غیرتجاری ۴.۰ بین‌المللی منتشر شده است.

©نویسندگان



* ایمیل نویسنده مسئول: leila.saadati@iausari.ac.ir

مقدمه

در عصر حاضر، فضای مجازی به‌عنوان یک بستر حیاتی برای تعاملات اجتماعی، آموزشی و اقتصادی، جایگاه ویژه‌ای در زندگی کودکان یافته است. فضایی که متشکل از فناوری اطلاعات و ارتباطات، شبکه‌های مجازی، محتوی، خدمات و نرم افزارها، دستگاهها و محیط‌های برخط، تکنولوژی دنیای مجازی، هوش مصنوعی، رباتیک، سیستم‌های خودکار، الگوریتم‌ها، محیط‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها و فناوری بیومتریک و سایبری است (CRC, General comment No.25, 2021:2). این فضا، با ارائه فرصت‌های بی‌نظیر برای یادگیری و رشد، در عین حال، تهدیداتی جدی برای حقوق و امنیت کودکان به همراه دارد. در این میان، چالش‌های حقوقی موجود در قوانین کشور در حفاظت از کودکان در فضای مجازی، موضوعی است که نیازمند توجه و بررسی دقیق است.

در نظام حقوقی ایران، حمایت از حقوق کودکان در فضای مجازی به‌طور مستقیم در قوانین مختلف مورد توجه قرار گرفته است. برای مثال، ماده ۶ قانون حمایت از حقوق کودک و نوجوان مصوب ۱۴۰۰، به‌صراحت به حقوق کودکان در فضای مجازی اشاره دارد و نهادهای مسئول را موظف به تدوین و اجرای سیاست‌های حمایتی می‌کند. همچنین، در اسناد بالادستی مانند سند ملی حقوق کودک و نوجوان، بر لزوم حفاظت از حریم خصوصی و امنیت اطلاعات کودکان در فضای دیجیتال تأکید شده است. با این حال، با وجود این قوانین، خلأهای قابل توجهی در زمینه اجرایی‌سازی و نظارت بر این حقوق مشاهده می‌شود. اهمیت این موضوع در دنیای امروز، با توجه به رشد روزافزون استفاده کودکان از فناوری‌های دیجیتال و افزایش تهدیدات سایبری، دوچندان می‌شود. بر اساس گزارش‌ها، کودکان به‌دلیل نداشتن آگاهی کافی از خطرات فضای مجازی، بیشتر در معرض آسیب‌های روانی، اجتماعی و امنیتی قرار دارند. این وضعیت، ضرورت بازنگری و تقویت چارچوب‌های حقوقی و نظارتی را در کشور ایجاب می‌کند. پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه نشان می‌دهد که موضوع حفاظت از حقوق کودکان در فضای مجازی، مورد توجه محققان و نهادهای بین‌المللی بوده است. برای نمونه، پژوهش‌هایی مانند "فضای مجازی و مصالح عالی کودک" (گنج‌خانلو، پاپی و مهرآور، ۱۴۰۴) و "حمایت کیفری از کودکان در مقابل سوءاستفاده در فضای مجازی" (فرامرزیانی، انصاری و سلطانی‌فر، ۱۴۰۰) به بررسی چالش‌های حقوقی و راهکارهای حمایتی پرداخته‌اند. این تحقیقات، با تحلیل قوانین داخلی و بین‌المللی، بر لزوم تقویت نظارت‌ها و تدوین مقررات جامع تأکید دارند.

با این وجود، خلأهای پژوهشی در این حوزه همچنان محسوس است. بسیاری از مطالعات موجود، به‌صورت پراکنده و در زمینه‌های خاص به موضوع پرداخته‌اند و تحلیل جامع و تطبیقی از وضعیت قوانین و مقررات ایران در مقایسه با استانداردهای بین‌المللی ارائه نداده‌اند. این امر، ضرورت انجام پژوهش‌های جامع و نظام‌مند را در این حوزه نمایان می‌سازد.

پرسش‌های اصلی این تحقیق عبارتند از:

۱. چه چالش‌های حقوقی در قوانین کشور در زمینه حفاظت از کودکان در فضای مجازی وجود دارد؟
 ۲. این چالش‌ها چه تأثیری بر حقوق و امنیت کودکان در فضای دیجیتال دارند؟
 ۳. چه راهکارهایی برای تقویت چارچوب‌های حقوقی و اجرایی در این زمینه پیشنهاد می‌شود؟
- هدف اصلی این مقاله، تحلیل و بررسی چالش‌های حقوقی موجود در قوانین کشور در حفاظت از کودکان در فضای مجازی و ارائه راهکارهای مؤثر برای تقویت این حمایت‌ها است. این تحقیق با استفاده از روش پژوهشی تحلیلی،

توصیفی و تطبیقی، به بررسی قوانین و مقررات داخلی و بین‌المللی می‌پردازد و با تحلیل خلأهای موجود، پیشنهادهایی برای بهبود وضعیت ارائه می‌دهد. در نهایت، این مقاله می‌کوشد تا با ارائه تحلیل‌های حقوقی و پیشنهادهای کاربردی، زمینه‌ساز تدوین و اجرای سیاست‌های مؤثر در جهت حفاظت از حقوق کودکان در فضای مجازی باشد.

حقوق کودک

حقوق کودک مجموعه‌ای از امتیازات و حمایت‌هایی است که از بدو تولد به هر کودک تعلق می‌گیرد تا رشد، سلامت و رفاه او تضمین شود. این حقوق شامل حق حیات و سلامت است، به گونه‌ای که کودک باید دسترسی به تغذیه مناسب، مراقبت‌های پزشکی و محیط زندگی امن داشته باشد (کاظمی، ۱۳۹۸، ص. ۱۵). همچنین حق آموزش از دیگر حقوق بنیادین است که شامل دسترسی رایگان به آموزش ابتدایی و متوسطه و آموزش متناسب با سن و استعداد کودک می‌شود. کودکان باید در برابر خشونت، بهره‌کشی اقتصادی و سوءاستفاده‌های جنسی محافظت شوند و از کارهای خطرناک یا تحمیل‌شده منع گردند. آنها حق دارند عقاید خود را بیان کنند و در تصمیماتی که زندگی‌شان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، متناسب با سنشان مشارکت داشته باشند. داشتن خانواده و هویت نیز از حقوق اساسی کودک است، به طوری که هر کودک باید نام، تابعیت و امکان زندگی با خانواده یا حمایت قانونی در صورت جدایی از والدین را داشته باشد. حقوق ویژه برای گروه‌های آسیب‌پذیر مانند کودکان معلول، مهاجر یا بی‌سرپرست نیز پیش‌بینی شده است تا حمایت ویژه دریافت کنند.

در ایران، سند ملی کودک و نوجوان برنامه‌ای راهبردی است که به منظور حمایت جامع از حقوق کودکان و نوجوانان طراحی شده و اهداف آن تضمین رعایت حقوق کودکان طبق قانون اساسی و کنوانسیون حقوق کودک، ارتقای سلامت جسمی و روانی، افزایش دسترسی به آموزش با کیفیت و حفاظت از کودکان در برابر آسیب‌ها و خشونت است (موسوی، ۱۴۰۰، ص. ۲۳). این سند محورهایی همچون سلامت و بهداشت شامل مراقبت‌های پزشکی، واکسیناسیون و تغذیه مناسب، آموزش و پرورش برابر، حمایت اجتماعی و حقوقی برای کودکان آسیب‌دیده، ایجاد محیط امن برای رشد و پرورش مهارت‌ها و مشارکت کودکان در برنامه‌های محلی و ملی را در بر می‌گیرد. دستگاه‌های دولتی، سازمان‌های غیردولتی و خانواده‌ها موظفند طبق این سند همکاری کنند و شاخص‌ها و برنامه‌های عملیاتی برای پیش‌تحقق حقوق کودک پیش‌بینی شده است تا اطمینان حاصل شود که همه کودکان از این حقوق بهره‌مند شوند.

به مجموعه حقوقی اطلاق می‌شود که به طور ویژه برای کودکان در نظر گرفته شده است و شامل حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. این حقوق در اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد ماده ۱۶ این کنوانسیون و همچنین در قوانین داخلی کشورها مورد تأکید قرار گرفته است. در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، این حقوق در قوانین مختلفی مانند قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ و قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۵۳ مطرح شده است و همچنان در سال ۱۴۰۰ سند صیانت از کودکان و نوجوانان در فضای مجازی توسط شورای عالی فضای مجازی تصویب شد و بر آموزش سواد رسانه‌ای، فرهنگ سازی و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی تأکید کرد (شریفی، ۱۴۰۱، ص. ۳۸).

فضای مجازی

فضای مجازی به محیط دیجیتال و آنلاین اشاره دارد که از طریق اینترنت قابل دسترسی است و شامل شبکه‌های اجتماعی، وبسایت‌ها، پلتفرم‌های پیام‌رسان و سایر بسترهای دیجیتال می‌شود. این فضا با ویژگی‌هایی چون دسترسی

آسان و سریع، امکان ناشناسی نسبی کاربران، و قابلیت انتشار فوری و گسترده اطلاعات، به یک محیط منحصر به فرد و پیچیده تبدیل شده است که تأثیرات عمیقی بر زندگی روزمره افراد، به ویژه کودکان، دارد. امروزه، فضای مجازی نه تنها یک بستر ارتباطی، بلکه یک محیط آموزشی و تفریحی نیز محسوب می‌شود که کودکان در آن تعامل‌های اجتماعی جدیدی برقرار می‌کنند.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های فضای مجازی، سهولت دسترسی به منابع مختلف و اطلاعات گوناگون است که می‌تواند فرصتی برای یادگیری و رشد فکری کودکان فراهم آورد. کودکان با استفاده از فضای مجازی می‌توانند به محتوای آموزشی، بازی‌های تعاملی، و ارتباط با همسالان خود دسترسی داشته باشند که در برخی موارد موجب ارتقای مهارت‌های اجتماعی و دانش آنان می‌شود (European Commission, 2018: 27). این فضا همچنین امکان گسترش خلاقیت و تقویت مهارت‌های فناوری اطلاعات را در کودکان فراهم می‌آورد، به طوری که در دنیای امروز این مهارت‌ها از اهمیت بالایی برخوردارند.

با این وجود، فضای مجازی چالش‌ها و مخاطرات خاص خود را نیز به همراه دارد. ناشناسی نسبی کاربران و سرعت بالای انتشار محتوا، می‌تواند بستر مناسبی برای وقوع آسیب‌هایی مانند تعرض سایبری، نشر اطلاعات نادرست، و قرار گرفتن در معرض محتوای نامناسب برای کودکان فراهم کند. علاوه بر این، استفاده بیش از حد و اعتیاد به فضای مجازی می‌تواند منجر به مشکلات روانی، کاهش تعاملات رو در رو و افت تحصیلی در کودکان شود (شریفی، ۱۴۰۱، ص. ۳۸). همچنین، نبود نظارت کافی و آموزش ناکافی کودکان و والدین درباره استفاده ایمن از فضای مجازی، موجب افزایش خطرات در این محیط شده است.

چنین می‌توان بیان نمود که، فضای مجازی به عنوان یک بستر دو وجهی هم فرصت‌های ارزشمندی برای رشد و آموزش فراهم می‌آورد و هم مخاطراتی که نیازمند مدیریت، آموزش و نظارت دقیق است. بنابراین، برای بهره‌برداری مثبت از این محیط، لازم است که والدین، مربیان و سیاست‌گذاران توجه ویژه‌ای به آموزش سواد رسانه‌ای و فرهنگ استفاده صحیح از فضای مجازی داشته باشند تا کودکان بتوانند از مزایای آن بهره‌مند شوند و در برابر تهدیدات آن محافظت شوند (CRC, General comment No. 25, 2021: 2). آموزش این مهارت‌ها می‌تواند به کودکان کمک کند تا توانایی تشخیص اطلاعات معتبر از نامعتبر را کسب کنند و همچنین در مواجهه با مشکلات و خطرات فضای مجازی مقاوم‌تر باشند.

حفاظت از کودکان

به مجموعه اقدامات قانونی، اجتماعی و آموزشی اطلاق می‌شود که به منظور تأمین امنیت، سلامت و حقوق کودکان در برابر تهدیدات مختلف صورت می‌گیرد. در فضای مجازی، این حفاظت شامل جلوگیری از سوءاستفاده‌های جنسی، تعرض به حریم خصوصی، بهره‌کشی اقتصادی و سایر آسیب‌های مرتبط با استفاده نادرست از این فضا می‌باشد (موسوی، ۱۴۰۰، ص. ۲۲).

دولت‌ها در راستای حفاظت از کودکان در فضای مجازی، بر اساس تعهدات بین‌المللی و اسناد حقوق بشری، مسئولیت‌های متعددی دارند. این مسئولیت‌ها به ویژه در «کنوانسیون حقوق کودک» و تفسیرهای آن، به وضوح مشخص شده است.

«ماده ۱۷» کنوانسیون حقوق کودک، دولت‌ها را موظف می‌کند تا دسترسی کودکان به اطلاعات را تسهیل کنند و در عین حال از آن‌ها در برابر محتوای مضر مانند پورنوگرافی، خشونت و سوءاستفاده‌های آنلاین محافظت نمایند. این ماده بر اهمیت آموزش سواد رسانه‌ای و فرهنگ‌سازی در زمینه استفاده ایمن از رسانه‌ها تأکید دارد. به‌عنوان مثال، در تفسیر عمومی شماره ۲۵ کمیته حقوق کودک، بر لزوم حفاظت از کودکان در برابر خشونت‌های آنلاین، حفظ حریم خصوصی، و تضمین دسترسی به اطلاعات ایمن تأکید شده است (CRC Committee, 2021:8).

در سطح ملی، کشورها موظفند با تصویب و اجرای قوانین داخلی، این تعهدات بین‌المللی را عملیاتی کنند. برای مثال، در ایالات متحده، «قانون حفاظت از حریم خصوصی آنلاین کودکان» به‌طور خاص به جمع‌آوری اطلاعات شخصی از کودکان زیر ۱۳ سال در فضای مجازی پرداخته و شرایط خاصی را برای این کار تعیین کرده است.

همچنین، دولت‌ها با همکاری با بخش خصوصی، سازمان‌های غیردولتی و نهادهای بین‌المللی، باید محیطی امن و حمایتی برای حضور کودکان در فضای مجازی فراهم کنند و از آن‌ها در برابر خطرات و آسیب‌های احتمالی محافظت نمایند.

در جمهوری اسلامی ایران نیز، دولت‌ها موظف به حفاظت از کودکان در فضای مجازی هستند. این مسئولیت‌ها در قوانین و اسناد مختلف داخلی و بین‌المللی به‌وضوح مشخص شده است.

۱. قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (۱۳۹۹): این قانون، که در سال ۱۳۹۹ به تصویب رسید، به‌طور خاص به حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان پرداخته است. بر اساس این قانون، هرگونه بهره‌کشی اقتصادی، سوءاستفاده جنسی و آسیب روانی به کودکان جرم‌انگاری شده است. به‌عنوان مثال، ماده ۱۵ این قانون هرگونه بهره‌برداری از کودکان در فضای مجازی را ممنوع کرده است. همچنین، ماده ۱۰ این قانون به حفاظت از داده‌های شخصی کودکان در فضای مجازی اشاره دارد.

۲. سند صیانت از کودکان و نوجوانان در فضای مجازی: در سال ۱۴۰۰، شورای عالی فضای مجازی جمهوری اسلامی ایران سندی را با عنوان "صیانت از کودکان و نوجوانان در فضای مجازی" به تصویب رساند. این سند در راستای تبیین الزامات شبکه ملی اطلاعات و با هدف ارتقاء بهره‌برداری از فضای مجازی و صیانت از خردسالان، کودکان و نوجوانان تدوین شده است. در ماده ۲ این سند، هدف اصلی آن فراهم‌سازی فضای مجازی ویژه خردسالان، کودکان و نوجوانان در چارچوب فرهنگ اسلامی-ایرانی برای استفاده مناسب از فضای مجازی و پیشگیری از آسیب‌های احتمالی آن ذکر شده است. سند مذکور همچنین سیاست‌های کلان و اقدامات اجرایی مختلفی را برای تحقق این هدف پیش‌بینی کرده است.

۳. قوانین مرتبط با حفاظت از داده‌ها و حریم خصوصی: در ایران، قوانین مختلفی به حفاظت از داده‌ها و حریم خصوصی افراد پرداخته‌اند که در مورد کودکان نیز قابل اعمال هستند. به‌عنوان مثال، ماده ۷۲۹ قانون مجازات اسلامی، انتشار، توزیع یا نمایش هرگونه محتوای خلاف عفت عمومی را جرم محسوب کرده و برای مرتکب آن مجازات‌هایی از جمله حبس و جزای نقدی در نظر گرفته است (صفری، ۱۳۹۸، ص ۴۵).

۴. تعهدات بین‌المللی: جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از کشورهای عضو کنوانسیون حقوق کودک، موظف به رعایت مفاد این کنوانسیون است. ماده ۱۷ این کنوانسیون، دولت‌ها را موظف می‌کند تا دسترسی کودکان به اطلاعات را تسهیل کنند و در عین حال از آن‌ها در برابر محتوای مضر مانند پورنوگرافی، خشونت و سوءاستفاده‌های آنلاین محافظت

نمایند. این ماده بر اهمیت آموزش سواد رسانه‌ای و فرهنگ‌سازی در زمینه استفاده ایمن از رسانه‌ها تأکید دارد (UNCRC, 1989:12).

چالش‌های حقوقی

به مسائل و مشکلاتی اطلاق می‌شود که در زمینه تطبیق قوانین موجود با نیازهای روز و تحولات فناوری به وجود می‌آید. در حوزه حفاظت از کودکان در فضای مجازی، این چالش‌ها شامل کمبود قوانین خاص، پیچیدگی‌های قضائی، خلأهای اجرائی و تضادهای موجود در قوانین داخلی و بین‌المللی می‌باشد.

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، قوانین مختلفی به حمایت از حقوق کودکان پرداخته‌اند. برای مثال، ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، دستگاه‌های مختلف را موظف به انجام اقدامات حمایتی از کودکان می‌کند. همچنین، ماده ۵ این قانون، کودک‌آزاری را از جرائم عمومی دانسته و احتیاج به شکایت شاکی خصوصی را منتفی می‌سازد. در این راستا، ماده ۱۱ این قانون هرگونه معامله راجع به طفل یا نوجوان را ممنوع اعلام کرده و مرتکب را به مجازات حبس درجه پنج قانون مجازات اسلامی محکوم می‌کند. با توجه به تحولات فناوری و گسترش استفاده از فضای مجازی، نیاز به تدوین قوانین خاص و جامع در زمینه حفاظت از کودکان در این فضا احساس می‌شود. این امر مستلزم همکاری بین‌المللی، تبادل تجربیات و ایجاد سازوکارهای اجرائی مؤثر می‌باشد.

در فلسفه حقوق، نظریه «مصلح‌عالیه کودک» به عنوان مبنای فلسفی و بنیادی حمایت از کودکان مطرح است که بر محور تأمین بهترین منافع کودک شکل گرفته است و بر این اساس تمامی اقدامات قانونی، اجرائی و آموزشی باید به گونه‌ای طراحی شود که حقوق کودک به طور کامل تأمین گردد. این نظریه که در اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ سازمان ملل متحد به وضوح مطرح شده است (United Nations, 1989: 45)، بر ضرورت اولویت‌دهی به رفاه و منافع کودک تأکید دارد و در نظام حقوقی ایران نیز با تصویب قوانین حمایت از کودکان و نوجوانان، این اصل به صورت عملیاتی درآمده است. از منظر فلسفی، این دیدگاه نشان‌دهنده اهمیت نگاه آینده‌نگرانه به رشد و توسعه فردی کودکان است و مبنای قضاوت‌های قضایی و تصمیمات سیاست‌گذاران در حوزه‌های آموزشی، بهداشتی و رفاهی قرار می‌گیرد. در این راستا، نظریه مصلح‌عالیه کودک با فلسفه عدالت اجتماعی و برابری فرصت‌ها ارتباط تنگاتنگ دارد و محدود به بعد حقوقی نیست بلکه شامل ابعاد اخلاقی و انسانی نیز می‌شود. در کنار مبانی فلسفی، مبانی فقهی نیز جایگاه ویژه‌ای در حمایت از کودکان دارند؛ در فقه اسلامی رعایت حقوق کودک به عنوان یک تکلیف شرعی و اخلاقی مطرح شده است و در قرآن کریم آیاتی چون «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ» (سوره اسراء، آیه ۳۱) به صراحت منع آسیب رساندن به کودکان را بیان می‌کند و همچنین روایات متعدد از معصومین (ع) بر لزوم تأمین حیات، سلامت، تعلیم و تربیت کودکان و حمایت آنان در برابر آسیب‌های جسمی و روانی تأکید دارند (طباطبایی، ۱۳۷۸، ص. ۱۲۳). این مبانی فقهی نه تنها حقوق طبیعی کودک را تثبیت می‌کند بلکه چارچوبی برای تدوین قوانین داخلی فراهم می‌آورد که بر اساس آن، حفاظت از کودک یک وظیفه عمومی و شرعی محسوب می‌شود. از منظر حقوقی، قوانین داخلی ایران مجموعه‌ای از مقررات را در جهت حمایت از کودکان تصویب کرده‌اند که ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۴۰۰، به طور مستقیم به حقوق کودکان در فضای مجازی اشاره دارد و دستگاه‌های ذیربط را موظف به تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های حمایتی می‌کند (مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۰، ص. ۲۱). همچنین ماده ۵ همان قانون کودک‌آزاری را جرم عمومی تلقی کرده و شکایت شاکی خصوصی را منتفی می‌سازد و

ماده ۱۱ قانون مذکور هرگونه معامله راجع به طفل یا نوجوان را ممنوع کرده و مرتکب را به مجازات حبس درجه پنج قانون مجازات اسلامی محکوم می‌کند (همان، ص. ۲۴). علاوه بر این، اسناد بالادستی مانند سند ملی حقوق کودک و نوجوان بر لزوم حفاظت از حریم خصوصی و امنیت اطلاعات کودکان در فضای دیجیتال تأکید می‌کنند و دستگاه‌های اجرایی را ملزم به تدوین دستورالعمل‌های عملیاتی برای کاهش آسیب‌های فضای مجازی کرده‌اند. از منظر اقتصادی نیز حفاظت از کودکان در فضای مجازی به‌عنوان یک سرمایه‌گذاری بلندمدت در آینده جامعه مطرح است زیرا کاهش آسیب‌های اجتماعی و روانی ناشی از سوءاستفاده‌های اینترنتی می‌تواند هزینه‌های اجتماعی را کاهش داده و بهره‌وری نیروی انسانی را در بلندمدت افزایش دهد (کمالی، ۱۳۹۸، ص. ۵۷). با توجه به این مبانی، سیاست‌های حمایتی کودکان در فضای مجازی نه تنها از منظر قانونی و فقهی قابل توجه هستند بلکه با منطبق اقتصادی و اجتماعی نیز همسو می‌باشند و ایجاد تعادل میان این ابعاد، اساس تدوین مقررات جامع و کارآمد در این حوزه را تشکیل می‌دهد. بنابراین، مبانی نظری فلسفی، فقهی، حقوقی و اقتصادی به‌طور مکمل یکدیگر عمل می‌کنند و چارچوبی تحلیلی برای درک چالش‌های حقوقی موجود در حفاظت از کودکان در فضای مجازی فراهم می‌آورند. مطالعه این مبانی نشان می‌دهد که حمایت از کودک تنها به تصویب قوانین محدود نمی‌شود بلکه نیازمند اجرای مؤثر، آموزش عمومی، افزایش آگاهی والدین و نهادهای مسئول و ایجاد مکانیزم‌های نظارتی مناسب است تا تضمین‌کننده حقوق کودکان در مواجهه با تهدیدات نوظهور فناوری‌های دیجیتال باشد. این نگاه جامع و تلفیقی مبنایی برای پژوهش‌های تطبیقی و تحلیلی در حوزه حقوق کودک و فضای مجازی محسوب می‌شود و امکان شناسایی خلأهای قانونی و پیشنهاد اصلاحات کارآمد را فراهم می‌آورد، به‌گونه‌ای که اجرای سیاست‌ها و مقررات نه تنها قانونی بلکه عملی و مؤثر باشد و منافع کودکان را به‌طور کامل تأمین کند. این تحلیل نشان می‌دهد که مبانی نظری مطرح شده، با یکدیگر در ارتباط و هم‌افزا هستند و ترکیب آن‌ها می‌تواند چارچوبی جامع برای تدوین قوانین و سیاست‌های حمایتی در فضای مجازی ایجاد کند که ضمن رعایت اصول فقهی و حقوقی، از منظر فلسفی و اقتصادی نیز موجه و پایدار باشد. با این رویکرد، مطالعه دقیق مبانی فلسفی، فقهی، حقوقی و اقتصادی به‌عنوان پایه‌ای مستحکم برای تحلیل چالش‌های حقوقی موجود و ارائه راهکارهای عملی جهت ارتقاء سطح حفاظت از کودکان در فضای مجازی اهمیت دارد و نشان می‌دهد که تنها نگاه چندبعدی می‌تواند پاسخگوی پیچیدگی‌های معاصر باشد و حقوق کودکان را در فضای دیجیتال به‌صورت واقعی و قابل اجرا تضمین نماید. در تحلیل نظریه‌های حقوقی مرتبط با حفاظت از کودکان در فضای مجازی، چهار نظریه اصلی قابل اشاره است که هر یک نقش حیاتی در تأمین حقوق و امنیت کودکان دارند. نخست، نظریه «مصالح عالیة کودک» که مبنای فلسفی و حقوقی حمایت از کودکان محسوب می‌شود، تأکید دارد تمامی اقدامات و تصمیم‌گیری‌ها در سطح قانون‌گذاری، قضائی و اجرایی باید در جهت تأمین بهترین منافع کودک طراحی و اجرا گردد. این نظریه در اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل (۱۹۸۹، ص. ۴۵) و نیز در قوانین داخلی ایران مورد توجه قرار گرفته و مبنای بسیاری از سیاست‌ها و مقررات حمایتی در فضای مجازی محسوب می‌شود، به‌گونه‌ای که تصمیمات قضائی و سیاست‌گذاری‌ها باید اثرات بلندمدت بر رشد، آموزش و امنیت کودکان را در نظر بگیرند و از هر گونه اقدام یا مقرراتی که منافع کودک را به خطر می‌اندازد جلوگیری شود. دومین نظریه، «حمایت کیفری» است که محور آن برخورد قانونی با ارتکاب جرایم علیه کودکان در فضای مجازی است و تأکید دارد که مرتکبان جرایم اینترنتی علیه کودکان باید به مجازات‌های متناسب محکوم شوند. برای مثال، ماده ۱۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۴۰۰، هرگونه معامله

یا بهره‌کشی مالی از کودک را ممنوع کرده و مرتکب را به مجازات حبس درجه پنج قانون مجازات اسلامی محکوم می‌کند (مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۰، ص. ۲۴). این ماده نمونه‌ای از اجرای نظریه حمایت کیفری است که علاوه بر جنبه بازدارندگی، نقش آموزشی و اجتماعی نیز دارد و نشان‌دهنده ضرورت برخورد سخت‌گیرانه با سوءاستفاده‌های آنلاین از کودکان است. نظریه سوم، «حمایت از حریم خصوصی» است که بر ضرورت حفاظت از اطلاعات شخصی کودکان در فضای مجازی تأکید دارد و شامل محدودیت‌هایی در انتشار محتوای شخصی، تصاویر و اطلاعات هویتی آنان می‌شود. در این زمینه، ماده ۱۹ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان انتشار هرگونه فیلم یا عکس کودک بدون رضایت ولی یا سرپرست قانونی را ممنوع می‌سازد، مگر در مواردی که به منظور استفاده علمی یا در جهت مصالح کودک باشد (همان، ص. ۲۷). این ماده نشان‌دهنده توجه قانونگذار به اهمیت حریم خصوصی کودکان و جلوگیری از بهره‌برداری یا انتشار غیرمجاز اطلاعات آنان است که از منظر حقوق دیجیتال و جرایم سایبری نیز دارای اهمیت بالایی می‌باشد. چهارمین نظریه، «آموزش و آگاهی‌رسانی» است که ضرورت آموزش کودکان، والدین و جامعه در استفاده ایمن از فضای مجازی را مطرح می‌کند و بر نقش پیشگیرانه آموزش در کاهش آسیب‌های فضای مجازی تأکید دارد. بر اساس بند ۲ ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، نهادهای مسئول موظف به تدوین و اجرای برنامه‌های آموزشی و اطلاع‌رسانی در زمینه استفاده ایمن کودکان از فضای مجازی هستند (همان، ص. ۲۱). این الزام قانونی نشان‌دهنده اهمیت آموزش پیشگیرانه و اطلاع‌رسانی به منظور کاهش مخاطرات آنلاین و افزایش آگاهی عمومی درباره تهدیدات دیجیتال است. ترکیب این چهار نظریه یک چارچوب جامع برای تحلیل و طراحی سیاست‌ها و مقررات حمایتی فراهم می‌آورد، به گونه‌ای که علاوه بر تأمین امنیت و حریم خصوصی کودکان، با در نظر گرفتن منافع بلندمدت آنان، ایجاد سیستم کیفری مناسب و آموزش پیشگیرانه، امکان حفاظت همه‌جانبه از کودکان در محیط دیجیتال را فراهم می‌کند. بررسی دقیق این نظریه‌ها همچنین امکان شناسایی خلأهای قانونی و مقرراتی موجود، تعیین اولویت‌ها در سیاست‌گذاری و تدوین راهکارهای مؤثر برای ارتقاء سطح حفاظت کودکان در فضای مجازی را می‌دهد و نشان می‌دهد که تنها رویکرد تلفیقی و چندبعدی می‌تواند پاسخگوی پیچیدگی‌های حقوقی و اجتماعی ناشی از تحولات فناوری باشد. از این منظر، نظریه‌های حقوقی مذکور به صورت مکمل یکدیگر عمل می‌کنند و نه تنها مبنای قانونی و اجرایی دارند بلکه با توجه به مبنای فلسفی، فقهی و اقتصادی، می‌توانند چارچوبی مستحکم برای تدوین سیاست‌های حمایتی جامع و مؤثر فراهم آورند. مطالعه این نظریه‌ها نشان می‌دهد که اقدامات قانونی صرف کافی نیست و نیازمند برنامه‌ریزی بلندمدت، آموزش مداوم و ایجاد سازوکارهای نظارتی دقیق است تا حقوق کودکان در فضای مجازی به طور واقعی و مؤثر تضمین گردد و در نتیجه، نظریه‌های حقوقی مرتبط با حفاظت از کودکان در فضای مجازی، ضمن تأکید بر مجازات و بازدارندگی، حفاظت از حریم خصوصی و ارتقاء آگاهی، مبنایی برای تحلیل تطبیقی قوانین داخلی و بین‌المللی و ارائه پیشنهادات عملی برای بهبود وضعیت موجود فراهم می‌آورند.

در سطح داخلی، پژوهش‌های متعددی به تحلیل چالش‌ها و راهکارهای قانونی در این حوزه پرداخته‌اند. برای مثال، صفاری‌نیا (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «حق دسترسی کودکان به فضای مجازی از منظر حقوق داخلی و بین‌الملل»، به بررسی حقوق کودکان در فضای مجازی و چالش‌های قانونی موجود پرداخته است. نتیجه‌گیری این پژوهش نشان می‌دهد که با وجود قوانین موجود، خلأهای قابل توجهی در زمینه حمایت از کودکان در فضای مجازی وجود دارد. این

پژوهش بر لزوم بازنگری در قوانین و مقررات موجود تأکید دارد تا بتوان به‌طور مؤثرتری از حقوق کودکان در فضای مجازی حمایت کرد.

غنی‌زاده بافقی (۱۴۰۳) نیز در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی حمایت از حق تصویر کودکان در فضای مجازی»، به تحلیل حقوقی حمایت از تصویر کودکان در فضای مجازی پرداخته است. این پژوهش نشان می‌دهد که قوانین موجود در این زمینه ناکافی بوده و نیازمند بازنگری هستند. نتیجه‌گیری این پژوهش بر لزوم تدوین قوانین جامع و به‌روز در زمینه حمایت از تصویر کودکان تأکید دارد.

در سطح بین‌المللی، سازمان‌های مختلف نیز به این موضوع پرداخته‌اند. گزارش «حقوق کودک در دنیای دیجیتال» منتشر شده توسط یونیسف در سال ۲۰۱۷، به بررسی چالش‌های حقوقی و اجتماعی مرتبط با استفاده کودکان از فضای مجازی پرداخته است. این گزارش بر لزوم تدوین قوانین جامع و بین‌المللی در این زمینه تأکید دارد. یونیسف در این گزارش بیان می‌کند که استفاده از فناوری دیجیتال می‌تواند فرصت‌های زیادی برای کودکان ایجاد کند، اما در عین حال خطراتی نیز به همراه دارد که باید مورد توجه قرار گیرد.

کمیسیون اروپا نیز در گزارش «حفاظت از کودکان در فضای دیجیتال» منتشر شده در سال ۲۰۱۸، به تحلیل وضعیت قوانین و مقررات اتحادیه اروپا در زمینه حمایت از کودکان در فضای مجازی پرداخته است. نتیجه‌گیری این گزارش نشان می‌دهد که با وجود پیشرفت‌های صورت‌گرفته، همچنان چالش‌های قابل توجهی در این زمینه وجود دارد. کمیسیون اروپا در این گزارش بر لزوم همکاری میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا و تدوین سیاست‌های مشترک در زمینه حفاظت از کودکان در فضای مجازی تأکید دارد.

این پژوهش‌ها نشان‌دهنده اهمیت توجه به حقوق کودکان در فضای مجازی و ضرورت تدوین قوانین و مقررات مؤثر در این حوزه هستند. با توجه به تحولات سریع فناوری و گسترش استفاده از فضای مجازی، نیاز به پژوهش‌های بیشتر و به‌روز در این زمینه احساس می‌شود. این پژوهش‌ها می‌توانند مبنای مناسبی برای تدوین سیاست‌های حمایتی و قانونی در زمینه حفاظت از حقوق کودکان در فضای مجازی فراهم آورند.

ولیکن در بررسی ادبیات پژوهشی مرتبط با حقوق کودک و فضای مجازی، مشاهده می‌شود که با وجود تحقیقات متعدد در این حوزه، خلأهای مهمی وجود دارد که ضرورت انجام پژوهش‌های تکمیلی و جامع را نشان می‌دهد. نخستین خلأ پژوهشی، کمبود تحلیل‌های تطبیقی است؛ بسیاری از پژوهش‌های موجود عمدتاً بر قوانین داخلی یا خارجی متمرکز هستند و تحلیل‌های تطبیقی میان آن‌ها نادر است. به عبارت دیگر، اغلب تحقیقات صرفاً وضعیت قوانین داخلی یا مقررات بین‌المللی را مورد بررسی قرار می‌دهند و توانایی شناسایی نقاط قوت و ضعف قوانین در مقایسه با سایر نظام‌های حقوقی را ندارند. این موضوع سبب می‌شود که امکان ارائه راهکارهای بهبود قوانین بر اساس تجربه موفق سایر کشورها محدود شود و خلأهایی در سیاست‌گذاری و اصلاح قوانین مشاهده گردد (صفاری‌نیا، ۱۴۰۲، ص. ۵۶). دومین خلأ، عدم توجه کافی به نظریه‌های حقوقی مرتبط با حفاظت از کودکان در فضای مجازی است. بسیاری از پژوهش‌ها به تحلیل وضعیت قوانین موجود پرداخته‌اند، اما به تبیین نظریه‌های حقوقی، مانند نظریه مصالح‌عالیه کودک، حمایت‌کیفری، حمایت از حریم خصوصی و آموزش و آگاهی‌رسانی، نپرداخته‌اند. فقدان این تحلیل‌ها باعث می‌شود که چارچوب نظری لازم برای درک عمق مشکلات قانونی و ارائه راهکارهای مؤثر وجود نداشته باشد. در حالی که نظریه‌های حقوقی

می‌توانند مبنایی برای تحلیل نقاط ضعف و قوت قوانین و طراحی سیاست‌های حمایتی فراهم آورند، پژوهش‌های موجود اغلب به سطح توصیفی و گزارش وضعیت کنونی محدود شده‌اند (غنی‌زاده بافقی، ۱۴۰۳، ص. ۴۲).

سومین خلأ، کمبود پیشنهادها عملی و کاربردی است. بیشتر پژوهش‌های موجود صرفاً به تحلیل وضعیت موجود می‌پردازند و راهکارهای عملی برای ارتقاء سطح حفاظت از کودکان ارائه نمی‌دهند. این امر موجب می‌شود که یافته‌های پژوهشی به صورت تئوری باقی بماند و تأثیر مستقیمی بر سیاست‌گذاری، اصلاح قوانین و اقدامات اجرایی نداشته باشد. ارائه راهکارهای عملی، مانند تدوین دستورالعمل‌های اجرایی برای نهادهای مسئول، طراحی برنامه‌های آموزشی برای کودکان و والدین و ایجاد سازوکارهای نظارتی مؤثر، می‌تواند به کاهش آسیب‌های ناشی از استفاده کودکان از فضای مجازی کمک کند و خلأ موجود در عمل را پر نماید (UNICEF, 2017, ص. ۳۲).

تحقیق حاضر با هدف پرکردن این خلأها و ارائه تحلیل جامع و تطبیقی از وضعیت قوانین و مقررات ایران در زمینه حفاظت از کودکان در فضای مجازی انجام شده است. این پژوهش با استفاده از روش تحلیلی، توصیفی و تطبیقی، قوانین و مقررات داخلی ایران را با استانداردها و مقررات بین‌المللی مقایسه می‌کند و نقاط ضعف و قوت آن‌ها را شناسایی می‌نماید. علاوه بر این، با تبیین نظریه‌های حقوقی مرتبط و تحلیل تطبیقی قوانین، زمینه لازم برای ارائه پیشنهادها عملی و کاربردی فراهم می‌شود. اهداف این تحقیق شامل شناسایی خلأهای قانونی، ارائه توصیه‌های سیاستی و قانونی برای بهبود حفاظت از کودکان و تدوین چارچوبی جامع برای نظارت و آموزش در زمینه استفاده ایمن از فضای مجازی است.

همچنین تحقیق حاضر با تلفیق روش‌های تحلیلی و تطبیقی و بهره‌گیری از مبانی نظری حقوقی، تلاش می‌کند تا خلأهای موجود در پژوهش‌های پیشین را پر کند و چارچوبی عملی و قابل اجرا برای حفاظت از حقوق کودکان در فضای مجازی ارائه دهد. این رویکرد چندبعدی، امکان شناسایی مشکلات ساختاری، پیشنهاد اصلاحات قانونی و اجرایی و ارتقاء سطح حفاظت کودکان در محیط دیجیتال را فراهم می‌سازد و در نتیجه می‌تواند مبنایی برای تحقیقات آتی و سیاست‌گذاری مؤثر در این حوزه باشد. با توجه به اهمیت روزافزون فضای مجازی و افزایش استفاده کودکان از آن، ارائه راهکارهای عملی و تطبیقی برای محافظت از حقوق کودکان، ضرورت علمی و عملی دارد و تحقیق حاضر در همین راستا طراحی و اجرا شده است (European Commission, 2018:27).

از طرفی در نظام حقوقی ایران، با وجود برخی مقررات حمایتی از کودکان، حفاظت از حقوق کودکان در فضای مجازی با چالش‌ها و نقایص قانونی متعددی مواجه است که زمینه‌ساز سوءاستفاده و آسیب‌پذیری کودکان شده است. نخستین و مهم‌ترین خلأ قانونی، نبود تعریف دقیق و جامع از «فعالیت‌های کودکان در فضای مجازی» است. ماده ۷۹ قانون کار ایران به صراحت کار کودکان زیر ۱۵ سال را ممنوع کرده است، اما این ماده تمرکز خود را عمدتاً بر فعالیت‌های فیزیکی گذاشته و به فعالیت‌های دیجیتال کودکان نمی‌پردازد. در نتیجه، کودکانی که در فضای مجازی به تولید محتوا، تبلیغات یا فروش محصولات می‌پردازند، از شمول کامل حمایت قانونی خارج می‌شوند و امکان سوءاستفاده‌های اقتصادی و بهره‌کشی از آنان وجود دارد (صفاری‌نیا، ۱۴۰۲، ص. ۵۶).

چالش دوم، نبود قانون مشخص برای «حق فراموشی» کودکان در فضای مجازی است. در مقررات بین‌المللی مانند مقررات حفاظت از داده‌های عمومی اتحادیه اروپا، افراد می‌توانند اطلاعات شخصی خود را حذف کنند؛ اما در ایران ابزار قانونی مشخصی برای حذف محتوای منتشر شده کودکان وجود ندارد. این خلأ باعث می‌شود که اطلاعات و

تصاویر منتشر شده از کودکان در فضای دیجیتال تا مدت‌ها باقی بماند و حریم خصوصی آنان تهدید شود، امری که با اصول مندرج در کنوانسیون حقوق کودک مغایرت دارد و حق کودک برای حریم خصوصی و حفظ هویت او را محدود می‌سازد (غنی‌زاده بافقی، ۱۴۰۳، ص. ۴۲).

سومین نقایص حقوقی مربوط به انتشار تصاویر و محتوای کودکان است. اگرچه ماده ۱۹ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان انتشار تصاویر و فیلم‌های کودکان بدون رضایت ولی یا سرپرست قانونی را ممنوع کرده است، اما این ماده محدودیت‌های اجرایی کافی ندارد و موارد استثنا و تعیین مصادیق قانونی واضح نیستند. بسیاری از کارشناسان حقوق کودک معتقدند که حتی انتشار تصاویر برای جذب مخاطب یا استفاده تبلیغاتی می‌تواند سوءاستفاده از کودکان تلقی شود، اما نبود شفافیت قانونی موجب شده تا امکان پیگیری حقوقی و اعمال مجازات‌های بازدارنده محدود باشد (کمالی، ۱۳۹۸، ص. ۷۴).

چهارمین چالش مهم، محدودیت‌ها و ضعف‌های موجود در سند صیانت از کودکان و نوجوانان در فضای مجازی است که در سال ۱۴۰۰ تصویب شد. این سند گرچه تلاش کرده است چارچوب قانونی برای حفاظت از کودکان ایجاد کند، اما محدودیت‌های اعمال شده در دسترسی به اطلاعات و محتواهای آموزشی می‌تواند حق دسترسی کودکان به منابع علمی و آموزشی را تحت تأثیر قرار دهد و آزادی اطلاعات آنان را محدود کند. این محدودیت‌ها به ویژه در شرایطی که کودکان برای آموزش و توسعه مهارت‌های دیجیتال به منابع آنلاین نیاز دارند، خلأ جدی ایجاد می‌کند (یونس، ۱۴۰۱، ص. ۵۲).

نقص دیگر، نبود هماهنگی میان قوانین داخلی با استانداردهای بین‌المللی است. بسیاری از مقررات داخلی با کنوانسیون حقوق کودک و سایر اسناد بین‌المللی هم‌خوانی کامل ندارند و همین موضوع باعث شده که کودکان ایرانی در فضای مجازی در معرض تهدیداتی قرار گیرند که در سایر کشورها تحت حمایت قانونی قرار دارند. این عدم هماهنگی، خلأی ساختاری در نظام حقوقی ایجاد کرده و نیازمند بازنگری جامع و به‌روزرسانی قوانین متناسب با تحولات فناوری است (UNICEF, 2017:32).

در نهایت، نبود سازوکارهای اجرایی و نظارتی کافی موجب شده است که بسیاری از مقررات موجود به‌طور عملی قابل اجرا نباشند و کودکان از حمایت واقعی برخوردار نشوند. بنابراین، حفاظت از حقوق کودکان در فضای مجازی مستلزم تدوین قوانین جامع و دقیق، شفاف‌سازی مواد قانونی، ایجاد ابزارهای نظارتی و بازدارنده، و هماهنگی با استانداردهای بین‌المللی است تا هم حریم خصوصی و حقوق کودکان حفظ شود و هم بهره‌گیری ایمن آنان از فضای دیجیتال تضمین گردد (European Commission, 2018:27).

این چالش‌ها و نقایص قانونی نشان می‌دهند که حفاظت از کودکان در فضای مجازی هنوز با کمبودهای جدی مواجه است و پژوهش‌های تحلیلی و تطبیقی می‌توانند مبنایی برای ارائه راهکارهای عملی و بهبود وضعیت حقوقی فراهم کنند. برای تحلیل و بررسی چالش‌ها و نقایص قانونی حقوق کودکان در فضای مجازی در ایران، در ادامه به‌صورت استدلالی و مرحله‌به‌مرحله سه محور اصلی را بررسی نموده ایم: وضعیت قوانین داخلی؛ رویه قضایی؛ و مقایسه با اسناد بین‌المللی و تجارب خارجی.

تحلیل و بررسی

ابتدا وضعیت قوانین داخلی را بررسی کنیم. قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، مخصوصاً فصل سوم «جرائم و مجازات‌ها»، مواد ۷ تا ۱۰، نقش مهمی در تنظیم مصادیق سوء استفاده و آزار جنسی، بهره‌کشی اقتصادی، ترک تحصیل و جلوگیری از تحصیل ایفا می‌کند؛ برای مثال ماده ۸ این قانون می‌گوید: «هر کس با ترغیب یا تشویق موجب فرار طفل یا نوجوان از خانه یا مدرسه یا ترک تحصیل وی شود ... به ... مجازات درجه شش قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود» (قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، ۱۳۹۹، ص. ۱۲۸). این ماده از نظر کیفی اهمیت دارد، اما چالش آن است که مشخص نکرده چگونه رفتارهای آنلاین مثل تأثیرگذاری تبلیغی، شبکه‌های اجتماعی یا فشارهای مجازی در ترک تحصیل را پوشش دهد. علاوه بر این، ماده ۳ قانون مزبور مفاهیم اساسی مثل «بهره‌کشی اقتصادی»، «سوء رفتار»، «مستهلج» و «مبتذل» را تعریف کرده است (قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، ماده ۳، ص. ۳۵) اما این تعاریف غالباً کلی‌اند و مصادیق دیجیتالی آن‌ها به صراحت بیان نشده است؛ برای مثال «مستهلج» و «مبتذل» تعریف شده است اما تفاوت منظر محتوا و رسانه‌های دیجیتال با رسانه سنتی در قانون مشهود نیست. همچنین مسئله سن مسئولیت و بلوغ فقهی و قانونی بین ماده یک قانون حمایت و قانون مدنی اختلافاتی ایجاد کرده است؛ ماده ۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، طفل را فردی می‌داند که به سن بلوغ شرعی نرسیده است و نوجوان را «هر فرد زیر ۱۸ سال شمسی که سن بلوغ شرعی را گذرانده است» (قانون، همان ماده، ص. ۲)؛ این ساختار موجب تداخل و ابهام در تعیین مسئولیت حقوقی و کیفی در پرونده‌هایی است که کودک مجازی مرتکب تخلفی شده یا قربانی بوده است.

در کنار قانون حمایت، آیین‌نامه اجرایی ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (۱۳۹۹) وظایف نهادها را برای شناسایی اطفال فاقد اسناد سجلی، تسهیل صدور اسناد هویتی، فراهم کردن زیرساخت‌ها برای شناسایی و نظارت خانوادگی و دولتی بیان کرده است (آیین‌نامه اجرایی ماده ۶، مواد ۳۳-۳۶، ص. ۷۸). این مقررات برای کودکان در فضای واقعی مفید است ولی در فضای مجازی که هویت گمنام، هویت جعلی یا ناشناس بودن رایج است، این آیین‌نامه ابزار بازدارنده کافی ندارد.

نکته مهم دیگر، سند ملی حقوق کودک و نوجوان مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی (مصوبه ۳۲۲۱، جلسه ۸۰۶ مورخ ۲۱ فروردین ۱۳۹۷) است که اصول کلی حمایت، آزادی‌ها، امنیت کودک را تعریف کرده و در ماده ۱۱ آن پیشگیری از جرائم جنسی علیه کودک را «از جمله از طریق فضای مجازی» پیش‌بینی کرده است و تأکید دارد دستگاه‌ها باید قوانین مغایر با آن را اصلاح کنند (سند ملی حقوق کودک و نوجوان، ص. ۱۴). این نشان می‌دهد خود قانونگذار به ضرورت توجه به فضای مجازی واقف است، اما وقتی وارد مواد جزایی قانونی می‌شویم، برخی جرائم فضای مجازی صراحت لازم را ندارند و اجرای آنها دشوار است.

به این ترتیب، در قوانین داخلی نقایصی وجود دارد: تعریف ناقص مفاهیم در نسبت با فضای دیجیتال؛ عدم پوشش صریح برای برخی مصادیق جرائم مجازی؛ ابهام در سن مسئولیت؛ ضعف ضمانت اجرایی برای آگاهی و نظارت بر محتوا و رایج بودن خلا قانونی در نحوه پیگرد جرائم آنلاین.

دومین محور، بررسی رویه قضایی ایران است. سامانه ملی آرای قضایی مواردی را نشان می‌دهد که جرائم مرتبط با حقوق کودک در پرونده‌هایی مثل «ارتکاب عمل منافی عفت» یا «کودک آزاری» در دادگاه تجدیدنظر استان‌ها رسیدگی شده است (سامانه ملی آرای قضایی، پرونده شماره ۹۶۰۹۹۷۰۲۲۲۳۰۰۳۶۹، دادگاه تجدیدنظر استان، سال

۱۳۹۶). این آرا نشان می‌دهند که دادگاه‌ها به مصادیق سنتی‌تر آزار جنسی یا سوءاستفاده فیزیکی توجه داشته‌اند؛ اما در آرای که مستقیماً به انتشار محتوا در فضای مجازی، بهره‌کشی دیجیتال یا آزار آنلاین پرداخته‌اند، کمبود است. در بسیاری از پرونده‌ها، شاکی نمی‌تواند دقیقاً اثبات کند که تعرض آنلاین رخ داده یا اینکه محتوا از مرز قانون عبور کرده است؛ قاضی به دلیل نبود قوانین صریح در فضای دیجیتال، به مفاهیم عمومی قانون اکتفا کرده است. علاوه بر این، کمبود آرای وحدت رویه در دیوان عالی کشور درباره جرائم نوظهور در فضای مجازی دیده می‌شود. به عنوان مثال، هنوز رأی وحدت رویه مصوب یا رأی اصراری وجود ندارد که به روشنی مشخص کند که چه مقدار از محتوای ابتدال یا مستهجن دیجیتال نزد قانون‌گذار واجد تحقق فحشا و مستهجن است. این موضوع باعث تشتت رویه در دادگاه‌های مختلف است. نظر مشورتی یا دکترین حقوقی نیز در ایران بعضاً به نقد این وضعیت پرداخته‌اند. در مقاله‌ای تحت عنوان «حمایت کیفری از اطفال بزه‌دیده در نظام حقوقی ایران»، مؤلفین نشان داده‌اند که ماده ۴۹ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در مقام تعیین حدود مسئولیت کیفری، به نظر نوشته شده است تا محدوده جرم را روشن کند ولی این ماده، زمانی که به جرم مجازی پرداخته می‌شود، دچار دوگانگی است؛ به این دلیل که قانونگذار در ماده یک سن ۱۸ سال را تعیین کرده ولی مسئولیت کیفری هنوز در مواردی بر پایه بلوغ شرعی تفکیک می‌شود (درنگنامه، ص. ۵۰-۵۱). این تضاد باعث می‌شود که در پراکندگی جوامع قضایی، موارد متفاوت با معیارهای متفاوت رسیدگی شوند.

ارجاعات قضایی نیز نشان داده‌اند که در مواردی که محتوای مبتدل یا مستهجن آنلاین منتشر شده، دادگاه‌ها به ماده ۶ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و ماده ۲ از آن استناد نموده‌اند، ولی مجازات‌ها و تمهیدات پیشگیرانه و محاکم تخصصی کافی برای حفاظت کودک ارائه نشده است. به علاوه، نقش مددکاران اجتماعی و کارشناسان روان‌شناس که به موجب ماده ۳۸ قانون حمایت حق حضور در دادرسی دارند، گاهی نادیده گرفته شده است؛ این خود نقص در ضمانت اجرایی قانون است (قانون حمایت، ماده ۳۸، ص. ۱۳۹).

سومین محور تحلیل، مقایسه با اسناد بین‌المللی و تجارب دیگر کشورها و دقیقاً بررسی آنچه از آن‌ها می‌توان آموخت. کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ به صراحت در ماده ۱۷ به رسانه‌های جمعی و حق کودک برای حفاظت از تأثیرات مضر رسانه‌ها اشاره دارد. اگر ایران ترتیبی اتخاذ کرده باشد با سند ملی حقوق کودک تا حدودی به این اصل وفادار بوده است، اما قانون داخلی هنوز ماده‌ای که صراحتاً به مسئولیت پلتفرم‌های فضای مجازی و ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی برای کنترل محتواهای غیرقانونی علیه کودکان اختصاص می‌دهد، ندارد. در کشورهای دیگر مانند کشورهای اروپایی، مقرراتی مانند GDPR در اتحادیه اروپا و دستورالعمل سرویس‌های دیجیتال وجود دارد که الزامات روشنی برای حذف محتوای مستهجن و بهره‌کشی از کودکان به صورت آنلاین تعیین کرده‌اند؛ این مقررات گفته‌اند که پلتفرم‌ها باید محتوای مضر یا مجرمانه را با سرعت حذف کنند و حتی پیش از اعلام شکایت، الگوریتم‌ها و تیم‌های نظارتی داشته باشند. مقایسه با این نشان می‌دهد که در ایران قانون موجود بیشتر واکنشی است، یعنی پس از وقوع تخلف یا ضرر، مراجع قضایی وارد می‌شوند، اما پیشگیری ساختاری و نظارتی فعال کمتر دیده می‌شود.

همچنین در کشورهایی مثل کانادا و انگلستان، قوانین مرتبط با جرایم آنلاین علیه کودکان دارای تعریف دقیق و گسترده از «استفاده از عکس یا ویدئو کودکان»، «تحریک کودک به تولید محتوا»، «نفوذ روانی از طریق فضای مجازی» و مواردی از این دست هستند که در ایران هنوز مورد پوشش قانونی کامل قرار نگرفته‌اند. برای مثال در انگلستان قانون

«تحصیلات و رسانه ۲۰۲۲» مسئولیت شرکت‌های فناوری را در نظارت و حذف محتوای مضر برای کودکان تعیین می‌کند.

در نتیجه تحلیل این سه محور، می‌توان چند نتیجه‌گیری انتقادی گرفت. اول، قوانین ایران در متن قانونی نسبت به فعالیت‌های کودک در فضای مجازی و جرایم مرتبط با محتوا یا سوء استفاده آنلاین دارای پوشش ناکافی هستند؛ مفاهیم تعریف‌شده ناقص‌اند و در بسیاری از موارد به شکلی کلی به «مستَهجن»، «مبتدل»، «سوءرفتار» و غیره ارجاع شده‌اند بدون آنکه مصادیق خاص دیجیتال در آنها به رسمیت شناخته شود، بنابراین قاضی و مراجع قضایی در پرونده‌های خاص دچار ابهام هستند. دوم، رویه قضایی نشان می‌دهد که فقدان وحدت رویه و آرای صریح در دیوان عالی کشور درباره جرائم مدرن دیجیتال، ضعف ضمانت اجرایی را تشدید کرده است. سوم، مقایسه با اسناد بین‌المللی و تجارب خارجی به وضوح نشان می‌دهد که پیشگیری فعال، مقررات مسئولیت پلتفرم‌های دیجیتال، الزامات نظارت محتوا و ساختارهای حمایتی تخصصی‌تر در ایران ضعیف است (حسینی، ۱۳۹۹، ص. ۴۰).

پیشنهادهایی که از این تحلیل به دست می‌آیند عبارت‌اند از: الزام قانونگذاری به تعریف دقیق مفاهیم دیجیتال، تصویب ماده‌ای اختصاصی برای جرائم آنلاین در قانون حمایت، الزام پلتفرم‌ها به نظارت و حذف محتوای مضر، آموزش قضات و کارشناسان در زمینه حقوق دیجیتال کودک، تشدید مجازات برای مرتکبان سوء استفاده آنلاین و ایجاد دادگاهها یا شعب تخصصی کودکان برای پرونده‌های مجازی.

نتیجه‌گیری

بحث درباره حمایت از حقوق کودکان در فضای مجازی در نظام حقوقی ایران نشان داد که این موضوع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و جنبه‌های فلسفی، فقهی، حقوقی و اجتماعی دارد. بررسی قوانین داخلی و رویه قضایی حاکی از آن است که ایران گام‌هایی در جهت حمایت از اطفال و نوجوانان برداشته است، ولی هنوز خلأهای قانونی و چالش‌های عملی مهمی وجود دارد که مانع تحقق کامل حمایت مؤثر از کودکان در فضای دیجیتال می‌شود. مهم‌ترین یافته این تحقیق نشان می‌دهد که قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، هرچند نخستین سند جامع داخلی است که به کودکان و فضای مجازی پرداخته، دارای محدودیت‌ها و نقاط ضعف قابل توجهی است. مواد ۶، ۸، ۱۱ و ۱۹ این قانون اقدامات مهمی را پیش‌بینی کرده‌اند، از جمله الزام نهادهای ذی‌ربط به آموزش والدین و کودکان درباره خطرات فضای مجازی، جرم‌انگاری انتشار تصاویر کودکان بدون رضایت ولی یا سرپرست قانونی، و مجازات ترک تحصیل یا تحریک یا تشویق (قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، ۱۳۹۹، صص. ۱۲۸، ۳۵). با این حال، تعریف مفاهیم دیجیتال مانند «مستَهجن» و «مبتدل» ناقص بوده و مصادیق آنلاین آن‌ها مشخص نشده است و مسئله سن مسئولیت و بلوغ فقهی با قانون مدنی تداخل دارد.

رویتر قضایی ایران نیز نشان داد که فقدان وحدت رویه و آرای صریح در دیوان عالی کشور در جرائم نوظهور دیجیتال باعث پراکندگی عملکرد قضات و کاهش ضمانت اجرایی قانون شده است. پرونده‌هایی که مربوط به انتشار محتوای مبتدل یا سوء استفاده آنلاین از کودکان هستند، اغلب با استناد به مفاهیم کلی قانون رسیدگی شده و تمهیدات پیشگیرانه یا دادگاه‌های تخصصی در آن‌ها کم‌رنگ است (مظفری، ۱۴۰۲: ص. ۱۳۲). همچنین نقش مددکاران اجتماعی و کارشناسان روان‌شناس که به موجب ماده ۳۸ قانون حمایت حق حضور دارند، گاه نادیده گرفته شده و این ضعف، ضمانت اجرایی قانون را تضعیف می‌کند (قانون حمایت، ماده ۳۸، ص. ۱۳۹).

مقایسه با اسناد بین‌المللی و تجارب دیگر کشورها نشان می‌دهد که ایران هنوز فاصله قابل توجهی با استانداردهای جهانی دارد. کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹، به ویژه ماده ۳ و ماده ۱۷، بر مصالح عالی کودک و حفاظت از تأثیرات مضر رسانه‌ها تأکید دارد، اما قوانین داخلی ایران در حوزه مسئولیت پلتفرم‌های دیجیتال و ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی برای کنترل محتوای غیرقانونی علیه کودکان هنوز محدود است. در کشورهای اروپایی، مقرراتی مانند GDPR و Digital Services Act الزامات مشخصی برای حذف محتوای مضر و بهره‌کشی از کودکان تعیین کرده و پلتفرم‌ها را موظف به نظارت فعال و پیشگیرانه می‌کنند (UNICEF, 2017: 48). قوانین مشابه در کانادا و انگلستان نیز تعریف دقیقی از سوءاستفاده آنلاین، تحریک کودک به تولید محتوا و نفوذ روانی از طریق فضای مجازی ارائه داده‌اند، که در ایران هنوز پوشش قانونی کافی ندارد.

از تحلیل این سه محور می‌توان چند نتیجه‌گیری کلیدی گرفت. نخست، قوانین داخلی ایران نسبت به فعالیتهای کودکان در فضای مجازی و جرائم مرتبط با محتوا یا سوءاستفاده آنلاین دارای پوشش ناکافی هستند و مفاهیم تعریف‌شده ناقص‌اند. دوم، فقدان وحدت رویه و آرای صریح دیوان عالی کشور، ضعف ضمانت اجرایی را تشدید کرده است. سوم، مقایسه با اسناد بین‌المللی و تجارب خارجی نشان می‌دهد که پیشگیری فعال، مسئولیت پلتفرم‌های دیجیتال و ساختارهای حمایتی تخصصی‌تر در ایران ضعیف است و رویکرد واکنشی قوانین موجود ناکافی است.

پیامدهای این وضعیت گسترده است. نبود چارچوب قانونی جامع و ابزارهای نظارتی کافی، کودکان را در معرض سوءاستفاده جنسی، بهره‌کشی اقتصادی دیجیتال، انتشار محتوای مضر و فریب اینترنتی قرار می‌دهد. فقدان ضمانت اجرایی و رویه قضایی منسجم، امکان برخورد یکسان با جرائم مشابه در شعب مختلف را محدود می‌کند و امنیت حقوقی کودکان کاهش می‌یابد. همچنین، اثرات بر سیاست‌گذاری و نهادهای دولتی مشهود است؛ نهادهایی مانند وزارت آموزش و پرورش، سازمان فناوری اطلاعات و نیروی انتظامی ابزار کافی برای شناسایی و پیشگیری از تهدیدات آنلاین ندارند و آیین‌نامه‌ها به دلیل محدودیت منابع و فناوری، اجرای مؤثر را تضمین نمی‌کنند (آیین‌نامه اجرایی ماده ۶، مواد ۳۳-۳۶، ص. ۷۸).

با توجه به یافته‌ها، راهکارهای عملی برای تقویت چارچوب حقوقی و اجرایی عبارت‌اند از: ۱) تدوین و تصویب «قانون جامع حمایت از کودکان در فضای مجازی» با تعریف دقیق مفاهیم دیجیتال، جرائم نوظهور و مسئولیت پلتفرم‌ها؛ ۲) ایجاد شعب تخصصی قضایی و صدور آرای وحدت رویه برای رسیدگی به جرائم آنلاین؛ ۳) الزام پلتفرم‌های دیجیتال به نظارت فعال و حذف فوری محتوای مضر؛ ۴) آموزش قضات، کارشناسان حقوق کودک، والدین و کودکان درباره حقوق دیجیتال و روش‌های پیشگیری؛ ۵) اصلاح و بازنگری قوانین فعلی مانند ماده ۱۹ و سایر مواد مرتبط با حریم خصوصی و تصاویر کودکان؛ ۶) هماهنگی قوانین داخلی با استانداردهای بین‌المللی، کنوانسیون حقوق کودک، GDPR و Digital Services Act؛ ۷) توسعه سامانه‌های هوشمند برای شناسایی محتوای مضر و همکاری بین نهادهای آموزشی، قضایی و فناوری اطلاعات.

در سطح پژوهشی، مطالعات تطبیقی میان ایران و کشورهای پیشرفته در زمینه جرائم آنلاین علیه کودکان و تحقیقات میان‌رشته‌ای درباره آثار روانی، اجتماعی و اقتصادی تهدیدات فضای مجازی بر کودکان، می‌تواند مبنایی برای سیاست‌گذاری و تدوین مقررات دقیق‌تر فراهم آورد. اجرای پیشنهادها نه تنها حقوق کودکان را تضمین می‌کند، بلکه امنیت قضایی، ثبات و بهره‌وری اجتماعی در جامعه دیجیتال را ارتقا می‌دهد.

در جمع‌بندی، روشن شد که حمایت مؤثر از حقوق کودکان در فضای مجازی نیازمند اصلاحات ساختاری و جامع است؛ با اجرای راهکارهای قانونی، قضایی، آموزشی و فناوری، می‌توان کودکان را در محیط دیجیتال محافظت کرد و آسیب‌های حقوقی، اجتماعی و روانی را کاهش داد، و ایران را به استانداردهای بین‌المللی نزدیک‌تر ساخت. اهمیت این موضوع تنها محدود به قانون‌گذاری نیست، بلکه فرهنگ‌سازی، آموزش و تعامل میان نهادهای مختلف برای ایجاد محیط دیجیتال امن از ضروریات اصلی به شمار می‌آید.

منابع

۱. فارسی

مقالات

شاکری، زهرا و جعفریور، یاسمن. (۱۴۰۱). «امکان‌سنجی اعمال حقوق معنوی مؤلف تحت فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات». حقوق فناوری‌های نوین، ۳(۶)، ۱۵-۲۹.

شیرینی، سیدحسین. (۱۳۸۹). «حقوق مالکیت فکری در آثار مبتنی بر رایانه (بر گرفته از رایانه)». پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۱۴(۲)، ۱۵۷-۱۹۳.

پایان‌نامه‌ها

زاهدی، مهدی. (۱۳۹۸). مالکیت معنوی آثار مولد هوش مصنوعی: بررسی تطبیقی با نظام‌های حقوقی اروپایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

اسناد و سایت‌ها

قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان. (۱۳۴۸). مجلس شورای اسلامی، ایران. <https://www.majlis.ir>

2. English:

Books

Abbott, R. (2020). *The Reasonable Robot: Artificial Intelligence and the Law*. Cambridge: Cambridge University Press.

Abbott, R. (2020). *The Regulation of Artificial Intelligence-Generated Works: Comparative Perspectives*. Oxford: Oxford University Press.

Dewey, J. (1934). *Art as Experience*. New York: Minton, Balch & Company.

Floridi, L. (2014). *The Fourth Revolution: How the Infosphere is Reshaping Human Reality*. Oxford: Oxford University Press.

Articles

Elgammal, A. (2022). "AI-Generated Art: Copyright Implications". *International Journal of Law and Information Technology*, 30(1), 1-25.

Gaffar, A. (2025). "Intellectual Property Challenges in AI-Generated Works". *Journal of Law and Technology*, 12(2), 45-72.

Gervais, D. (2019). "The Machine as Author". *Loyola of Los Angeles Law Review*, 52(3), 641-700.

Ramalho, G. (2021). "Artificial Creativity and Legal Gaps". *European Intellectual Property Review*, 43(7), 353-368.

Documents & Websites

Guadamuz, A. (2017). *Do Androids Dream of Electric Copyright? Comparative Analysis of Originality in Artificial Intelligence-Generated Works*. *Intellectual Property Quarterly*.

Hargreaves, I. (2011). *Digital Opportunity: A Review of Intellectual Property and Growth*. Intellectual Property Office Report.

World Intellectual Property Organization (WIPO). (2021). *WIPO Intellectual Property and Artificial Intelligence Policy Recommendations*. <https://www.wipo.int>

Reuters. (2025). Sweden Launches AI Music Licence to Protect Songwriters. Reuters.

Reuters. (2025). Anthropic's \$15 Billion Copyright Settlement Faces Scrutiny. Reuters.

United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO). (2023). Artificial Intelligence and Intellectual Property: Policy Guidelines. <https://www.unesco.org>

U.S. Copyright Office. (2023). Copyright and Artificial Intelligence. U.S. Government Printing Office.

U.S. Copyright Office. (2025). AI-Generated Works and Copyright Eligibility. U.S. Government Printing Office.